

روش‌شناسی و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم در برگردان ضرب‌المثل‌های اخلاقی قرآن، همراه با ترجمه‌های پیشنهادی (بررسی موردی ترجمه‌های دهلوی، فولادوند و فیض‌الاسلام)

رضا امانی*

زهرا رضائی**، زهرا خوشناموند***

چکیده

مطالعه و بررسی امثال‌القرآن از دیرباز تا کنون مورد توجه بسیاری از قرآن پژوهان بوده است، دقت در لطائف و ظرائف تمثیلات قرآنی، مبدأ تأملات شایسته متفکران و خلق آثار گران سنگی در این حوزه بوده است. لذا، ترجمه این دسته از آیات نیز به نوبه خود از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. حال آنکه بررسی ترجمه‌های مختلف قرآن کریم همچون ترجمه‌های دهلوی، فولادوند و فیض‌الاسلام، نشان از وفاداری بسیار مترجمان محترم به آیات قرآن دارد، به طوری که روح ضرب‌المثل‌های قرآن در ترجمه منعکس نشده است. این مسأله موجب محصور ماندن خواننده در معنای تحت‌اللفظی (ترجمه معنایی) عبارات گشته و در نهایت کاهش کیفی بازتاب مفاهیم قرآنی و میزان اثرگذاری ترجمه بر خوانندگان را به دنبال دارد. در حالی که ترجمه امین و وفادار ترجمه‌ای است که به صورت و محتوای متن اصلی وفادار باشد. روش پیشنهادی در مقاله حاضر (معنایی - ارتباطی) شاید بتواند در ترجمه این دسته از آیات قرآن راهگشا باشد.

* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران (نویسنده مسئول).

R_amani2007@yahoo.com

** کارشناسی ارشد تفسیر قرآن مجید، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه،

Zrezaee27@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد تفسیر قرآن مجید، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه،

Zahrakhoshnam.tafsir92@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۶/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱۶

در این جستار سعی شده با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد انتقادی، به تأثیر بسزای ترجمه ضرب‌المثل‌های قرآن در پیام‌رسانی آیات و نیز ارزیابی عملکرد مترجمان (دهلوی، فولادوند و فیض‌الاسلام) در برگردان ضرب‌المثل‌های اخلاقی قرآن پرداخته شود، تا از ره آورد آن بتوان به روشی مناسب و کارآمد دست یافت.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، ضرب‌المثل‌های قرآن، مترجم قرآن، ترجمه معنایی، ترجمه ارتباطی.

۱. مقدمه

«ضرب‌المثل جمله‌ای است مختصر به نظم یا نثر، مشتمل بر پند یا قاعده اخلاقی که مورد تمثیل خاص و عام شود، و از فرط سادگی و روانی و کمال ایجاز، همگان به آن استشهاد نمایند» (حکمت، ۱۳۸۷: ص ۴۸). ابن عبدربه اندلسی (متوفی ۳۲۸ ق) درباره ضرب‌المثل و رواج آن چنین می‌نویسد: «ضرب‌المثل زینت سخن و شیرینی معناست، تا جایی که عرب آن را برگزیده و عجم بدان روی آورده است و در هر زمان و با هر زبان به آن سخن گفته‌اند. مثل از شعر پایدارتر و از خطابه برتر است و چیزی از ارزشش نمی‌کاهد و جایگزین آن نمی‌شود» (ابن عبدربه، ۱۴۰۶: ص ۳).

نقش تمثیل در بیان و انتقال معانی غیر قابل انکار است. در حقیقت یکی از مختصرترین و مؤثرترین روش‌هایی که می‌توان به وسیله آن معارف عقلی و مفاهیم معنوی را تبیین نمود، زبان «تمثیل» است. آنجا که روش‌های دیگر برای انتقال مقصود گوینده ناکارآمد است، تمثیل گره‌گشاست. زیرا تمثیل قدرت تفکر را بارور ساخته و معنا را به وضوح به مخاطب انتقال می‌دهد. قرآن کریم نیز با بهره‌گیری از مثل‌ها و گفتارهای نغز و شیرین، مخاطبان تمثیل خود را تمامی مردم از هر طبقه و گروه دانسته و در مناسبت‌های مختلف از ضرب‌المثل‌ها در انتقال مفاهیم بهره برده است. از جمله در بیان مفاهیم اخلاقی که تحقیق حاضر بر این دسته از ضرب‌المثل‌ها تکیه داشته و روش‌های برگردان آنها و عملکرد سه مترجم برجسته قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده است. لذا نگارندگان مقاله در وهله نخست در پی تبیین آیاتی از قرآن کریم هستند که به صورت ضرب‌المثل درآمده‌اند. در ادامه نیز با انتخاب سه ترجمه با سه روش متفاوت؛ ترجمه مرحوم دهلوی: ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه مرحوم فولادوند: ترجمه مفهومی و ترجمه مرحوم فیض‌الاسلام: ترجمه تفسیری، به دنبال روش‌شناسی ترجمه‌های مذکور در برگردان این دسته آیات

بوده‌اند تا از رهگذر این بررسی این فرضیه مورد مطالعه قرار گیرد که در ترجمه این گونه آیات مناسب است از ضرب المثل‌های معادل آنها در زبان فارسی استفاده شود.

با توجه به اهمیت موضوع، سؤال‌هایی که می‌توان در اینجا مطرح نمود عبارتند از: مترجمان محترم قرآن کریم در ترجمه این دسته از ضرب المثل‌های قرآنی چگونه عمل نموده‌اند؟ چه روش یا روش‌هایی برای ترجمه این اسلوب بیانی اتخاذ شده است؟ روش مناسب در برگردان این دسته از آیات چیست؟

به نظر می‌رسد علاوه بر ترجمه معنای دقیق آیه، ذکر مثل‌های رایج زبان فارسی در ترجمه‌ی این دسته از آیات به عنوان افزوده مترجم، ذهن خواننده را به معنا نزدیک‌تر ساخته و او را در آستانه درک هر چه بهتر قرار می‌دهد. لذا این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد انتقادی به روش‌شناسی و نقد سه ترجمه: شاه ولی الله دهلوی، محمد مهدی فولادوند و سید علی تقی فیض الاسلام؛ که هر کدام ترجمه‌ای برجسته در روش‌های مختلف ترجمه قرآن (دهلوی: ترجمه تحت اللفظی، فولادوند: ترجمه مفهومی و فیض الاسلام: ترجمه تفسیری) ارائه داده‌اند، می‌پردازد و ضمن تحلیل عملکرد ایشان در برگردان این دسته از آیات، در پایان ترجمه ترکیبی (معنایی-ارتباطی) را به عنوان مناسب‌ترین و تأثیرگذارترین روش، پیشنهاد می‌دهد.

شایان ذکر است که ضرب المثل‌های قرآن تنها به آیات مذکور در مقاله حاضر منحصر نبوده، بلکه در موضوعات مختلفی از مفاهیم قرآنی دیده می‌شود. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، ضرب المثل‌های اخلاقی قرآن کریم است. حال آنکه بررسی تمامی ضرب المثل‌های قرآن، مجال بی‌س فراخ را می‌طلبد. البته با بررسی همین تعداد ضرب المثل نیز می‌توان به نوع عملکرد مترجمان در برگردان این دسته از آیات پی برد و به روش ترجمه مناسب رسید.

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص امثال قرآنی از گذشته تاکنون مطالب بسیاری بیان و تحقیقات فراوانی صورت پذیرفته است. اما عمده این آثار به صورت موردی به جنبه خاصی از تمثیلات قرآنی پرداخته‌اند. مشهورترین کتبی که در زمینه مثل‌های زبان عربی و قرآنی نگاشته شده‌است، عبارتند از: «مجمع الأمثال» میدانی، «جمهره الأمثال» ابو هلال عسکری، «العقد الفرید» ابن عبد ربّه، «الامثال فی القرآن» تألیف محمود بن الشریف، «عون الحنان فی شرح الامثال فی

القرآن» شیخ علی احمد عبدالعال الطنطاوی و... . جعفر بن شمس الخلفه (م ۶۲۲ه) در کتاب «الآداب»، بابتی را به آیات قرآنی که حکم مثل یافته‌اند اختصاص داده است. سیوطی نیز در «الاتقان» به نقل از وی، همان آیات را ذکر کرده است. همچنین می‌توان به: «مثال‌های زیبای قرآن (امثال القرآن)» ناصر مکارم شیرازی، «مثال‌های آموزنده قرآن در تبیین پنجاه و هفت مثل قرآنی» جعفر سبحانی، «امثال قرآن» علی اصغر حکمت، «تفسیر امثال قرآن» اسماعیل اسماعیل، «تمثیلات قرآن، ویژگی‌ها، اهداف و آثار تربیتی آن» حمید محمد قاسمی، اشاره نمود.

در بخش مقالات نیز می‌توان به این آثار اشاره نمود: «ضرب المثل قرآنی مثل زندگی دنیا و باران» مالک یوسفی، نشریه رشد و آموزش معارف اسلامی، بهار ۱۳۹۰، ش ۸۰؛ «مثل‌های زیبای قرآن» جعفر سبحانی تبریزی، نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام شهر یور ۱۳۸۰ سال ۴۱ شماره ۶؛ «امثال قرآن کریم» سید محمد فرزانه، نشریه یغما مهر ۱۳۳۵ شماره ۹۹؛ «تأثیر قرآن بر آفرینش ضرب‌المثل‌های فارسی» پریسا اورک، نشریه ادب و زبان پاییز و زمستان ۱۳۹۲ سال ۱۶ شماره ۳۴. پایان‌نامه‌هایی که در این راستا نگاشته شده‌اند، عبارتند از: «ضرب المثل در قرآن و پاره‌ای از معادل‌های آن در زبان بلوچی» عبدالرئوف سبحانی سیب، دانشکده علوم قرآنی واحد قم، تابستان ۱۳۸۷؛ «مقایسه و بررسی شیوه‌های به‌کارگیری ضرب‌المثل در قرآن و ادب در عصر جاهلی و اسلامی» عزیز رئیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دی ماه ۱۳۹۰؛ «بررسی مبانی نظری و دامنه تطبیقی قاعده «ایاک أعنی و اسمعی یا جاره» سید مصطفی رضوی، دانشکده علوم حدیث قم، بهمن ۱۳۸۸؛ همچنین پایان‌نامه دکتری با عنوان «وجوه البیان فی امثال القرآن» سمیره عدلی محمد رزق، دانشگاه ملک عبدالعزیز جده که به بررسی بلاغی و بیانی ضرب‌المثل‌های قرآن پرداخته است.

اما وجه تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های مذکور در این است که مقاله حاضر می‌کوشد تا عملکرد مترجمان محترم قرآن کریم را در برگردان ترجمه ضرب‌المثل‌های اخلاقی قرآن مورد بررسی قرار دهد و به نظر می‌رسد در خصوص چگونگی برگردان ضرب‌المثل‌های قرآن به زبان فارسی، تاکنون تحقیقی بدین شکل انجام پذیرفته و پژوهش حاضر از این جهت در نوع خود بی‌سابقه باشد.

۳. مفهوم‌شناسی ترجمه و روش‌های ترجمه قرآن

مفهوم کلی ترجمه «برگرداندن سخنی از زبانی به زبان دیگر است» (طریحی، ۱۳۷۵: ص ۲۱). به تعبیر دقیق‌تر ترجمه عبارت است از: «یافتن نزدیک‌ترین معادل یک کلام در زبان مقصد، نخست از جهت مفهوم و سپس از لحاظ سبک» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶: ص ۳۱). به عبارت دیگر می‌توان ترجمه را «فرایند جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ به وسیله عناصر متنی زبان مقصد دانست که طی آن مترجم تلاش می‌کند با عمل جایگزین سازی خود زمینه‌ای را فراهم آورد که در آن نویسنده اصلی و خواننده‌ی متن ترجمه با یکدیگر به تعامل و تأثیر متقابل بپردازند» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۷: ص ۷۰). بنابراین ضروری است مترجم با هر دو زبان مبدأ و مقصد آشنایی داشته، و هر کلمه را در جایگاه مناسب خود قرار دهد. همچنین به ویژگی‌های زبان مبدأ و مقصد به طور کامل مسلط باشد. با توجه به این امر، مترجم باید تا حد امکان در بیان پیام متن مبدأ در بافتاری شبیه به بافتار متن اصلی تلاش نماید و متن ترجمه را با همان روح متن اصلی به خواننده منتقل نموده و بتواند ترجمه‌ای معادل و نزدیک به متن اصلی ارائه دهد.

امروزه صاحب‌نظران علم ترجمه، انواع ترجمه را بر حسب نوع، هدف، متن مبدأ و اهمیت ذاتی یک واحد معنایی در متن و اینکه هدف ترجمه وفاداری به نویسنده و متن اصلی است و نیز یا توجه و گرایش به خواننده ترجمه، به دو نوع «معنایی» و «ارتباطی» تقسیم می‌کنند. در ترجمه معنایی عناصر فرهنگی متن مبدأ حفظ و به زبان مقصد منتقل می‌شود. لذا در ترجمه معنایی چارچوب فرهنگ اصلی باقی می‌ماند. مترجم معنایی به متن مبدأ متمایل و وفادار است و سعی در انتقال سبک متن مبدأ به زبان مقصد دارد و از این لحاظ به ترجمه «تحت اللفظی» نزدیک‌تر است. در مقابل، در ترجمه ارتباطی مترجم می‌کوشد تا پیام متن مبدأ را با نزدیک‌ترین شیوه‌ها و ساختارهای دستوری و معنایی زبان مقصد به خواننده متن ترجمه منتقل کند. عناصر فرهنگی در این شیوه ترجمه، اغلب رنگ می‌بازد و عناصر فرهنگی زبان مقصد جایگزین آنها می‌شود. در این نوع ترجمه، مترجم اولویت را به خواننده می‌دهد و سعی دارد با زبان روان، محتوا و پیام را به خواننده برساند. لذا این شیوه به خواننده متن ترجمه تمایل داشته و مترجم همواره این دغدغه را دارد که خواننده پیام و هدف متن اصلی را دریابد. ترجمه ارتباطی می‌کوشد تا بر خوانندگان خود، تأثیری مشابه با تأثیر وارد بر خوانندگان متن اصلی بگذارد و در مجموع ترجمه ارتباطی یا پیامی ساده‌تر، روشن‌تر و مستقیم‌تر و به ترجمه‌های تفسیری نزدیک است. (ر.ک: لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۵؛ فرح زاد، ۱۳۸۷: ۲۷-۲۸)

در این میان مطلوب‌ترین نوع ترجمه زمانی تحقق می‌یابد که تأثیر متن مبدأ بر خواننده زبان مبدأ، به خواننده زبان مقصد نیز منتقل گردد. بنابراین لازم است مترجم تمام دانش و توانمندی خود و امکانات زبان مقصد را به کار بندد تا به آرمان ترجمه و یا ترجمه آرمانی نزدیک شود. مترجم قرآن کریم نیز بایستی تا حد امکان اهتمام و عنایت خاصی به جنبه‌های مختلف متن مبدأ یعنی صورت و معنی و چگونگی انتقال آن به زبان مقصد داشته باشد و مقوله‌های فرازبانی همچون مسائل فرهنگی و بار عاطفی آن را در نظر گیرد تا خواننده ترجمه بتواند همچون خواننده متن اصلی قرآن کریم به دریافت و درک مفاهیم والای آن راه یابد. در مورد ترجمه آیاتی که حکم ضرب‌المثل دارند نیز پیشنهاد می‌شود اگر از روش تلفیقی و ترکیبی «معنایی - ارتباطی» استفاده شود. در این روش که جامع محاسن دو روش معنایی و ارتباطی است، ابتدا مترجم ترجمه‌ای کاملاً منطبق بر متن اصلی (ضرب‌المثل قرآنی) ارائه می‌دهد و پس از آن با استفاده از پراکنش مفهوم و پیام متن (ضرب‌المثل معادل در زبان مقصد و یا توضیح تفسیری) را ذکر می‌کند. در این روش پیشنهادی مترجم علاوه بر ارائه ترجمه دقیق و مطابق با آیه (ترجمه معنایی)، با ذکر ضرب‌المثل معادل در زبان مقصد (ترجمه ارتباطی به عنوان افزوده مترجم و تکمله) تأثیر آیه بر خوانندگان را نیز منتقل می‌سازد. با کاربست این روش علاوه بر حفظ اصالت متن اصلی و ویژگی‌های فرازبانی و فرهنگی آن و نیز انتقال روح متن اصلی به خوانندگان ترجمه و در نهایت حفظ امانت در فرایند ترجمه (ترجمه معنایی)، با بهره جستن از روش ترجمه ارتباطی به خوانندگان ترجمه کمک می‌شود تا به درکی آسان‌تر و سریع‌تر از آیات قرآن برسند. این روش ترجمه را می‌توان روش «معنایی - ارتباطی» نامید.

۴. روش‌شناسی ترجمه ضرب‌المثل‌ها و عملکرد مترجمان

پیش از ورود به بررسی معادل‌های ضرب‌المثل‌های قرآنی در ترجمه‌های قرآن کریم و بررسی روش‌های مترجمان در ترجمه این دسته از آیات که در واقع به روش‌شناسی ترجمه و برگردان ضرب‌المثل‌ها توسط مترجمان خواهد انجامید، ضروری است ابتدا روش‌های ممکن و پیش روی مترجمان را در نظر گرفت. در ترجمه و معادل‌یابی ضرب‌المثل‌ها و برگردان آیاتی که مفهوم ضرب‌المثل را در خود دارند، چنانچه پیشتر گذشت، سه روش «ترجمه معنایی»، «ترجمه ارتباطی» و ترجمه ترکیبی «معنایی - ارتباطی» را می‌توان تصور

کرد. به عنوان نمونه عبارت قرآنی (وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ) (یوسف/۷۶) را می‌توان به روش‌های زیر ترجمه نمود:

۱. معنایی: بالای هر صاحب علمی، عالمی هست.
۲. ارتباطی: دست بالای دست، بسیار است.
۳. معنایی – ارتباطی: بالای هر صاحب علمی، عالمی هست (دست بالای دست، بسیار است).

به نظر می‌رسد روش اخیر می‌تواند شیوه‌ای کارآمد در ترجمه ضرب المثل‌های قرآن باشد، تا علاوه بر ترجمه دقیق و مطابق آیه، با بهره‌گیری از ضرب المثل معادل در زبان مقصد (فارسی)، خواننده را در دریافت هرچه بهتر مقصود آیه یاری رساند و تأثیری مشابه بر خوانندگان ترجمه داشته باشد. در واقع با این روش می‌توان ویژگی‌های هر دو روش ترجمه معنایی و ترجمه ارتباطی را در کنار یکدیگر فراهم نمود؛ از جمله موجز بودن ترجمه، ویژگی‌های زبانی و سبک شناختی آیات قرآن، انتقال عناصر فرهنگی موجود در آیات قرآنی به زبان مقصد و در مجموع وفاداری به متن مبدا (بخش معنایی) و روانی ترجمه، انتقال روشن‌تر و ساده‌تر پیام و محتوای آیه و در نتیجه تأثیرگذاری بیشتر بر خواننده (بخش ارتباطی).

در ادامه به نمونه‌هایی از امثال قرآنی و شیوه مترجمان در برگردان آن‌ها می‌پردازیم:

۱.۴ (إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا) (اسراء/۷)

بر اساس آیه فوق و طبق سنت الهی جزا و سزای نیکی و بدی، به خود انسان برمی‌گردد. در واقع آدمی هر چه بکارد همان را درو خواهد کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۴۰؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ص ۳۳۳) لذا خوبی و بدی انسان، هر دو به خود فرد اختصاص دارد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۶۵۰)

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «هرچه کنی به خود کنی، گر همه نیک و بد کنی» است. (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۱، صص ۱۵۹ و ۱۶۰).

دهلوی: اگر نیکوکاری کنید نیکو کرده باشید برای جان خویش و اگر بدکاری کنید پس آن بدی جان شما راست.

فولادوند: اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده‌اید، و اگر بدی کنید، به خود [بد نموده‌اید].

فیض الاسلام: اگر (در عقائد و باورها و اعمال و کردارتان) نیکی کنید (از خدا و رسول پیروی نمایید) بخودتان نیکی کرده‌اید (سعادت و نیکبختی دنیا و آخرت را بدست خواهید آورد) و اگر بدی کنید (بخدا و رسول ایمان نیاورید) ضرر و زیان آن برای شما است (بخودتان بدی کرده‌اید، و اینکه فرموده: *وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا* و فرموده: فعلیها برای رعایت نمودن لام لانفسکم است که در برابر آن بیان شده).

همچنانکه ملاحظه می‌شود ترجمه‌های فوق در برگردان ضرب‌المثل، همگی ترجمه‌هایی معنایی می‌باشند یعنی مترجم خود را به متن اصلی مقید ساخته است. این تقید و احتیاط قطعاً به نوع متن قرآنی و حساسیت آن باز می‌گردد. اما باید یادآور شد امانتداری به متن اصلی به معنای تقید به ساختارهای زبان مبدأ نیست، بلکه ترجمه آرمانی رسیدن به تعادل ترجمه‌ای و تأثیر برابر متن ترجمه و متن اصلی بر خوانندگان خود است، حال آنکه با ترجمه معنایی اینگونه آیات چنین هدفی حاصل نخواهد شد. لذا چنانچه این ترجمه‌ها با اصطلاح و ضرب‌المثل فارسی تلفیق شوند، می‌تواند ترجمه‌هایی با اثربخشی بیشتری باشد. زیرا گاه استفاده از تعابیر تمثیلی، مفهوم را به ذهن مخاطب نزدیک‌تر ساخته و توجه خواننده را بیش از پیش به سوی نکات اخلاقی - تربیتی آیه معطوف می‌دارد. حال آنکه هیچ یک از مترجمان چنین رویکردی را در پیش نگرفته‌اند. بنابراین با عنایت به همه قداست متن قرآنی به نظر می‌رسد بهتر آن است که در ترجمه آیه فوق، ضرب‌المثل‌های معادل فارسی در کنار ترجمه دقیق آیه، داخل پرانتز آورده شود تا خواننده علاوه بر مفهوم واژگان و تعابیر قرآن با مقصود آیات نیز هر چه بهتر و ملموس‌تر آشنا شود.

ترجمه پیشنهادی: «اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید، (باز) به خود بدی کرده‌اید (هرچه کنی به خود کنی، گر همه نیک و بد کنی)».

۲.۴ (وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى) (انعام/ ۱۶۴)

بر اساس عبارت «و لا تزر وازرة وزر اخرى» هیچ فردی گناه دیگری را به دوش نخواهد کشید و به سبب گناه دیگران مجازات و عقوبت نخواهد شد. (طوسی، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۳۳۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۶۰۶)

در زبان فارسی: «هیچ کس را در قبر دیگری نمی‌گذارند» (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۲۰۱۸)

دهلوی: بر ندارد هیچ بردارنده بار دیگر را.

فولادوند: هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد. فیض الاسلام: هیچ بر دارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمیدارد (کسی را بگناه دیگری عذاب نمیکنند)

همانطور که مشاهده می‌شود مترجمان مذکور (بجز فیض الاسلام که با توجه به روش تفسیری ترجمه ایشان، تا حدود بسیار زیادی به تعبیر تمثیلی آیه نزدیک شده است) از روش معنایی استفاده نموده‌اند. به ویژه دهلوی که ترجمه‌ای کاملاً تحت اللفظی ارائه داده است. به همین خاطر در انتقال معنا و مقصود آیه به طور گویا و روشن در زبان مقصد قاصر مانده‌اند. علت آن شاید به روش ترجمه یعنی ترجمه معنایی برگردد. ترجمه مرحوم فولادوند نیز که روش مفهومی است حدّ وسط دو ترجمه دیگر است. در حالی که به نظر می‌رسد ترجمه ترکیبی (معنایی - ارتباطی) می‌تواند ترجمه‌ای کامل‌تر و رساتر از تعبیر قرآنی پیش روی خوانندگان ترجمه قرار دهد. زیرا مقصود اصلی آیه با ذکر ضرب المثل گویاتر می‌نماید. ضمن آنکه مخاطبان نیز ارتباط عمیق‌تری با معنای مورد نظر برقرار می‌کنند.

ترجمه پیشنهادی: ... هیچ کس بار (گناه) دیگری را به دوش نمی‌کشد (هیچ کس را در قبر دیگری نمی‌گذارند).

۳.۴ (وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)
(انفال/۲۵)

یعنی ای مؤمنان از فتنه و گناهی که عقوبت آن تنها به ستمگران اختصاص ندارد، بلکه بی‌گناهان را نیز فرا خواهد گرفت، بر حذر باشید. (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۲۱۱؛ ابوحنیفه اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۳۰۳) به عبارت دیگر، همانطور که هرگاه بیشه طعمه حریق شود تر و خشک با هم می‌سوزند، هرگاه فتنه‌ای رخ دهد دامنگیر عموم مردم که چون یک تن واحد هستند، خواهد شد. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ص ۹۲)

در حقیقت خاصیت حوادث اجتماعی چنین است که هنگامی جامعه در اداء رسالت خود کوتاهی کند و بر اثر آن قانون‌شکنی، هرج و مرج و ناامنی به بار آید، نیکان و بدان در آتش آن می‌سوزند و این خطاری است از طرف خداوند به همه جوامع اسلامی. زیرا اختلاف و ناهماهنگی در مسائل اجتماعی موجب شکست برنامه‌ها خواهد شد و دود آن در چشم همه می‌رود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ص ۱۳۱)

۱۰ روش‌شناسی و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم در برگردان ضرب‌المثل‌های اخلاقی قرآن، ...

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «آتش که گرفت، تر و خشک با هم می سوزند». (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۸)

دهلوی: و پرهیزید از فتنه که نرسد بآنکه ستم کردند از شما بتخصیص. فولادوند: و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید. فیض الاسلام: بترسید از بلاء و گرفتاری که تنها بکسانی که ظلم و ستم (معصیت و گناه) کردند نمی‌رسد (بلکه فرمانبر و گناهکار هر دو بآن دچار میشوند، و گرفتاری مؤمن و فرمانبر برای آنست که گناهکار را نهی ننموده و باز نداشته، و یا اگر نمیتوانسته نهی کند از او بیزار نشده و دوری نگزیده).

در ترجمه این آیه نیز همچون نمونه‌های پیشین، هرچند ترجمه‌ها به ترتیب و بر اساس روش ترجمه آنها در انتقال مقصود رساتر و گویاتر شده‌اند، اما همچنان در برابر روش ترکیبی «معنایی - ارتباطی» (ذکر ضرب المثل معادل فارسی در کنار ترجمه دقیق آیه) از رسایی و تأثیرگذاری کمتری برخوردارند.

ترجمه پیشنهادی: پرهیزید از فتنه‌ای که تنها ستمکاران را مبتلا نمی‌سازد (آتش که بیاید، تر و خشک با هم می‌سوزند).

۴.۴ (وَ لَا يَحِقُّ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ) (فاطر/۴۳)

در تفاسیری همچون «الدر المثور» (سیوطی: ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۲۵۶) و «روح المعانی» (ألوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ص ۳۷۷) و «مفاتیح الغیب» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۶/ص ۲۴۶) آمده است که مشرکان هنگامی که می‌شنیدند برخی از امت‌های پیشین همچون یهود پیامبران الهی را تکذیب کردند و آنان را به شهادت رساندند، می‌گفتند: ما چنین نیستیم! اگر فرستاده الهی به سراغ ما بیاید ما هدایت پذیرترین امتها خواهیم بود! ولی اینان خود هنگامی که پیامبر اسلام (ص) همراه کتاب آسمانی به سراغشان آمد نه تنها نپذیرفتند، بلکه در مقام تکذیب و مکر و فریب برآمدند. لذا آیه فوق که ناظر بر ملامت و سرزنش همین ادعاهای تو خالی و بی‌اساس آنهاست، بر پیامبر (ص) نازل شد.

از کعب الأحبار روایت شده که به ابن عباس گفت: «من در تورات خوانده‌ام که هر کس گودالی بکند خودش در آن می‌افتد. وی در جواب گفت من هم این را در قرآن یافته‌ام و این آیه را تلاوت کرد» و در ضرب المثل عرب آمده است. یعنی: هر کس چاهی بکند خود با صورت در آن می‌افتد. «من حفر بئراً وقع فيه منكباً». (طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۳، ص ۳۷۸)

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «چاه کن، همیشه ته چاه است» و یا «چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی» (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۲، ۶۰۶)
دهلوی: فرود نمی آید وبال بدانندیشی قبیح مگر باهل او.
فولادوند: نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد.
فیض الاسلام: (ضرر و زیان) مکر و نیرنگ بد جز مکر کننده را احاطه نکند و فرو نگیرد.

تمامی ترجمه‌های فوق به روش ترجمه معنایی می‌باشد. به طوری که مترجمان خود را به عبارت اصلی ملزم دانسته و تلاش نموده‌اند ترجمه‌ای دقیق ارائه دهند. با این تفاوت که ترجمه آقای دهلوی، کاملاً تحت اللفظی و تابع ساختار و دستور زبان مبدأ نیز می‌باشد. در حالیکه به‌کارگیری روش ترکیبی (معنایی - ارتباطی) علاوه بر بازتاب تعبیر به کار رفته در متن قرآنی می‌تواند ترجمه‌ای به مراتب رساتر و تأثیرگذارتر به خواننده ارائه دهد. در واقع در چنین ترجمه‌ای می‌توان ادعای برابری و هم‌سنگی با متن اصلی را داشت.
ترجمه پیشنهادی: مکر بدکار جز به صاحبش، اصابت نمی‌کند. (چاه کن، ته چاه است).

۵.۴ (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ) (صف/۲)

چنان که در شأن نزول آیه گفته شده، این آیه درباره کسانی نازل شده که عهد بسته بودند دیگر از جهاد روی نگردانند و در راه آن پایمردی کنند. ولی به قول خود عمل نکرده و خلاف وعده خود رفتار نمودند. آیه‌ای دیگر از قرآن کریم نیز به این موضوع اشاره دارد: (أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَفْعَلُونَ) (بقره/۴۴)
طبق آیات فوق، رفتار خلاف گفتار شیوه عاقلانه‌ای نیست و چنان مردود است که نیروی تعقل فرد را زیر سوال می‌برد. لحن آیات مبارک، تعجب را القاء می‌کند که چگونه ممکن است فرد عاقلی مرتکب چنین رفتاری شود. همچنان که در ادبیات فارسی اشعار فراوانی بر این حکمت تاکید دارند. در احادیث نیز آمده است که امام باقر(ع) فرمودند: «فی حِکْمَةِ آلِ دَاوُدَ: يَا بَنَ آدَمَ! كَيْفَ تَتَكَلَّمُ بِالْهُدَى وَأَنْتَ لَا تُفِيقُ عَنِ الرَّدَى؟!»، در حکمت آل داوود آمده است: ای انسان! چگونه از هدایت سخن می‌گویی، حال آنکه خودت از هلاکت به خود نمی‌آیی؟!» (طوسی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۰۳)

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «به عمل کار برآید، به سخن دانی نیست». (سعدی، ۱۳۹۴: ص ۶۵۹)

دهلوی: چرا می‌گوئید آنچه نمی‌کنید.

فولادوند: چرا چیزی می‌گوئید که انجام نمی‌دهید؟

فیض الاسلام: چرا می‌گوئید چیزی را که بجا نمی‌آورید؟ (هنگام آسودگی لافها می‌زنید و می‌گوئید: اگر جهاد و پیکاری پیش آید ما جان و دارایمان را در راه خدای تعالی بکار می‌بریم، و هنگام سختی و آمدن امر و فرمان بجهاد و جنگیدن با دشمنان روی برتافته وعده‌های خود را انجام نمیدهید)

همانطور که مشهود است دهلوی درصدد وفاداری کامل به متن آیه بوده است. به همین دلیل به شیوه کاملاً معنایی (تحت اللفظی) عمل نموده است. فولادوند نیز ترجمه‌ای معنایی از آیه ارائه داده است. با این تفاوت که برخلاف دهلوی عبارت خود را مطابق با دستور زبان مقصد نگاشته است. فیض الاسلام نیز به ترجمه تحت اللفظی خود، توضیحات تفسیری ناظر بر شأن و فضای نزول آیه افزوده است. لذا این ترجمه‌ها همچنان معنایی‌اند و مسیر فهم مقصود را کوتاه نمی‌نمایند. در صورتی که اگر ایشان ضرب المثل را به همراه ترجمه و داخل پراتز ذکر می‌کردند، نه تنها معنای آیه برای مخاطبان با نگاهی کوتاه و گذرا به ترجمه آن، آشکارتر می‌شد، بلکه پیام معنوی آن نیز در اذهان ماندگارتر می‌بود. ترجمه پیشنهادی: ای کسانی که ایمان آوردید، چرا سخنی می‌گوئید که به آن عمل نمی‌کنید؟! (به عمل کار برآید، به سخن دانی نیست).

۶.۴ (وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا) (اسراء/ ۲۹)

«دست به گردن بستن» کنایه از خرج نکردن و خساست و خودداری از بخشش، درست مقابل «بسط ید» است که کنایه از بذل و بخشش می‌باشد و این که فرد هر چه به دستش آید از دستش فرو بریزد، به طوری که هیچ چیز برای خود باقی نگذارد. این تعبیر رساترین تعبیر در مورد نهی از افراط و تفریط در انفاق است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۳، ص ۱۱۴) همچنانکه علمای علم اخلاق بیان داشته‌اند؛ انسان دارای دو جهت افراط و تفریط است که هر دو نکوهیده‌اند. بخل و تبذیر هر دو افراط و مذموم می‌باشند و حدّ میان و اعتدال اخلاق پسندیده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۰، ص ۳۲۹)

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «اندازه نگه دار که اندازه نکوست». (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۶۸)

دهلوی: و مکن دست خود را بسته با گردن خود و مکشائی آنرا تمام گشادن که آنگاه بنشین ملامت کرده شده درمانده گشته یعنی در صورت اسراف. فولادوند: و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشادهدستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.

فیض الاسلام: و (پس از آن دستور بدل و بخشش را بیان کرده میفرماید): دستت را بسته شده بگردنت مگردان (انفاق نکردن و نبخشیدن چیزی را بنیازمندان بجایی نرسان که مانند کسی باشی که دستش بگردنش بسته شده نمیتواند چیزی را انفاق نماید) و همه دستت را هم مگشای که سرزنش شده درمانده گردی (آنچه را داری انفاق مکن که خود محتاج و نیازمند شوی...).

«زنجیر کردن دستها به گردن و یا باز کردن کامل آنها» جهت تعبیر از خست بسیار و گشاده دستی بی رویه تعبیری کاملاً فرهنگی و وابسته به فرهنگ زبان مبدأ است و ترجمه معنایی آن چندان قابل درک در زبان مقصد (فارسی) و خواننده ترجمه نیست. این مسئله در ترجمه‌های تحت اللفظی (همچون ترجمه دهلوی) نمود بیشتری دارد. در ترجمه مفهومی (نظیر فولادوند) مترجم با در نظر گرفتن ساختارهای زبان مقصد ترجمه‌ای به نسبت مفهوم‌تر ارائه می دهد. اما این نوع ترجمه‌ها نیز همچنان معنایی و بر اساس متن اصلی صورت می گیرد. در این میان ترجمه‌های تفسیری (مانند فیض الاسلام) علی رغم اینکه در روش ترجمه تفاوت بنیادین با دیگر ترجمه‌ها ندارند، به جهت ذکر پاره‌ای افزوده‌های تفسیری، برای خوانندگان ترجمه رساتر و گویاتر هستند.

ترجمه پیشنهادی: نه دست خود را (از حساست) به گردنت ببند و نه آن را (از روی گشادهدستی) آنچنان باز بدار تا سرزنش شده، حسرت خورده و زمین گیر شوی (اندازه نگه دار که اندازه نکوست).

۷.۴ (وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ) (ابراهیم/۷)

آیه فوق به این نکته اشاره دارد که هر عمل، عکس‌العملی در پی دارد. رفتار انسان اعم از شکرگزاری یا کفران نعمت عواقب خاص خود را دارد. اساساً وقتی انسان شکرگزار

نعمت‌های الهی باشد و با استفاده‌ی بهینه از آن، نه تنها کارآیی آن را بیشتر می‌کند بلکه زمینه اجابت نعمت‌های آتی را فراهم می‌آورد. اما ناسپاسی موجب خشم الهی و سلب نعمت می‌شود و همین امر تأثیر نامطلوبی بر زندگی انسان دارد. لذا اذعان به نعمت‌های الهی و سپاس خداوند موجب افزایش نعمت‌ها و در مقابل کفران و نادیده انگاشتن آن نه تنها موجب از دست رفتن نعمت، بلکه نزول عذاب الهی را در پی خواهد داشت. (طوسی، ۱۴۱۴: ج ۶، ص ۲۷۶)

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «شکر نعمت نعمت افزون کند، کفر نعمت از کفت بیرون کند». (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۰۲۷)

دهلوی: اگر شکر کنید زیاده دهم شما را و اگر ناسپاسی کنید هر آئینه عذاب من سخت است.

فولادوند: اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهد کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.

فیض الاسلام: اگر (نعمت‌های مرا) شکر نموده و سپاسگزار باشید البتّه (نعمت را) بر شما می‌افزایم، و اگر کفران و ناسپاسی کنید (آن را در معصیت و نافرمانی بکار برید) محققاً عذاب و کیفر من (بر ناسپاسان) سخت است.

در ترجمه این آیه نیز مترجمان محترم روش معنایی را اختیار نموده و معادلی مطابق با متن اصلی ارائه داده‌اند. با این تفاوت که در ترجمه دهلوی واژگان آیه بی هیچ کم و کاستی معادل‌گذاری شده‌اند. اما فولادوند و فیض الاسلام با استفاده از افزوده‌های تفسیری ترجمه‌هایی روان‌تر و قابل فهم‌تر پیش روی خوانندگان قرار می‌دهند. ترجمه معنایی آیه فوق هر چند گویای مقصود آن است، اما بی‌شک به کارگیری ضرب المثل معادل فارسی در کنار بیان قرآنی بر تأثیر آیه افزوده و به دریافت مقصود سخن کمک شایانی خواهد نمود. چرا که تعلیم شکرگزاری به بندگان در قالب ضرب المثل تصویر زیباتر و ماندگارتر را به نمایش می‌گذارد.

ترجمه پیشنهادی: ...اگر شکر (نعمت) به جای آورید، (نعمت) شما را می‌افزایم و اگر کفران کنید، قطعاً عذاب من بسیار شدید است (شکر نعمت نعمت افزون کند، کفر نعمت از کفت بیرون کند).

۸.۴ (وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً) (نساء/۱۰۰)

مفهوم اولیه آیه دلالت بر آن دارد که هر کس در راه خدا و دین او اقدام به مهاجرت و جلائی وطن کند، در سرزمین دیگر خیر و برکت و رزقی فراوان و گشاده خواهد یافت. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۵، ص ۱۵۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۱۵۲) اما بی شک آیه از باب توسع معانی بر هرگونه تلاش و حرکت در راه خدا نیز دلالت دارد و قطعاً کسانی که در راه خداوند تلاش کنند از نصرت الهی برخوردار خواهند شد.

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «از تو حرکت از خدا برکت» (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۱۴)

دهلوی: و هر که ترک وطن بکند در راه خدا بیابد در زمین اقامت‌گاه بسیار و فراخی معیشت.

فولادوند: و هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین اقامتگاه‌های فراوان و گشایشها خواهد یافت.

فیض الاسلام: هر کس در راه (رضاء و خوشنودی) خدا (از شهرهای کفر و شرک بشهرهای اسلام) هجرت و دوری نماید در زمین جایگاه بسیار و فراخ (که در آن با آسایش و آسودگی بسر میرد) مییابد.

در این نمونه نیز چنانچه ملاحظه می‌شود، مترجمان عنایتی به ذکر اصطلاح و ضرب‌المثل از زبان مقصد در کنار ترجمه دقیق آیه نداشته‌اند.

ترجمه پیشنهادی: هر کس در راه خدا هجرت کند، در زمین زیستگاه‌های بسیار و فراخی (معیشت) می‌یابد (از تو حرکت از خدا برکت).

۹.۴ (ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْاى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ) (روم/۱۰)

واژه «ثم» در این آیه چنانچه علامه طباطبایی (ره) نیز اشاره دارد به فرجام گناهان و ستم‌های آن افراد اشاره دارد. و آیه در مجموع بیانگر آن است که ارتکاب گناهان منجر به کفر و تکذیب آیات الهی می‌گردد. حال آنکه آنان پیش از این به تمسخر آیات می‌پرداختند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ص ۱۵۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ص ۲۶)، لذا اصرار بر گناه یا گناهان خرد به تدریج به ارتکاب گناهان بزرگتر منجر خواهد شد.

۱۶ روش‌شناسی و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم در برگردان ضرب‌المثل‌های اخلاقی قرآن، ...

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «عاقبت، تخم مرغ دزد شتر دزد می شود» (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۵۴۲)

دهلوی: باز حال بد عاقبت آن کسان شد که بدی کردند بسبب آنکه دروغ داشتند آیات خدا را.

فولادوند: آن گاه فرجام کسانی که بدی کردند [بسی] بدتر بود، [چرا] که آیات خدا را تکذیب کردند.

فیض الاسلام: سپس (در آخرت) عذاب و شکنجه بدتر عاقبت و سرانجام کسانی است که کار بد کردند، برای آنکه آیات و نشانه‌های (توحید و یگانه دانستن) خدا را تکذیب نموده و دروغ دانستند.

همچنانکه ملاحظه می‌شود؛ هر سه مترجم تلاش نموده‌اند تنها ترجمه‌ای معنایی و مطابق با عبارت قرآنی ارائه دهند. حال آنکه معنی و مفهوم آیه در زبان فارسی با ضرب‌المثل رایج «عاقبت تخم مرغ دزد، شتر دزد می شود» بسیار رساتر و زیاتر خواهد بود.

ترجمه پیشنهادی: «بدکرداران، سرانجام نشانه‌های روشن الهی را نیز دروغ می‌خوانند». (عاقبت تخم مرغ دزد، شتر دزد می‌شود).

۱۰.۴ (وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ) (بقره/۲۷۲)

تعبیر قرآنی فوق به این نکته اشاره دارد که آنچه انسان انفاق می‌کند خداوند به طور کامل و تمام آن را به او باز خواهد گرداند. لذا شایسته است که انسان به بهترین و شایسته‌ترین وجه انفاق نماید. (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۶۹۶) ضمناً با توجه به آنکه ظاهر این جمله آن است که خود آنچه انفاق شده به انسان بازگردانده می‌شود (نه ثواب آن)، آیه می‌تواند دلیلی بر تجسم اعمال بوده باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۳۵) لذا اگر انسان عمل نیکی از جمله انفاق انجام دهد، بازتاب آن را خواهد دید و اگر عمل ناشایستی مرتکب شود نیز انعکاس عملش به او باز خواهد گشت.

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «با هر دست بدهی، از همان دست پس می‌گیری» (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۷۲)

دهلوی: و آنچه خرج کردید از مال بتمام رسانیده شود بسوی شما یعنی ثواب او.

فولادوند: و هر مالی را که انفاق کنید [پاداش آن] به طور کامل به شما داده خواهد شد. فیض الاسلام: و آنچه از خیر و نیکی (مال و داراییتان بمؤمن و کافر) انفاق میکنید پاداش کامل بشما داده میشود.

ملاحظه می‌شود که مترجمان محترم به ترجمه معنایی عبارت قرآن پرداخته و تنها در مواردی به توضیح و شرحی مختصر جهت وضوح بیشتر ترجمه همت گمارده‌اند. در مواردی از این دست به کارگیری ضرب المثل‌های آشنا در زبان مقصد، علاوه بر تقریب ذهن مخاطب، تأثیر ماندگارتری بر روح و جان او باقی خواهد گذاشت. ترجمه پیشنهادی: و هر خیر و خوبی‌ای انفاق کنید، تمام و کمال (باز) به خودتان باز می‌گردد. (با هر دست بدهی، از همان دست پس می‌گیری).

۱۱.۴ (لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ) (انعام/۶۷)

هر خبری از اخبار خداوند و پیامبر(ص) حقیقتی دارد که در دنیا یا در آخرت انفاق خواهد افتاد و یا هر سخن جایگاهی دارد که در آن نمایان می‌گردد و تجلی می‌یابد. (طبری، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۴۸۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۳، ص ۲۱)

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد» (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۱۹۳۰)

دهلوی: هر خبر را میعادیست.

فولادوند: برای هر خبری هنگام [وقوع] است.

فیض الاسلام: برای هر خبر و آگهی (از خبرهای خدای تعالی) وقت و هنگامی است. با توجه به مراد عبارت قرآنی، استفاده از ضرب المثل معادل در فارسی پس از ترجمه دقیق آیه می‌تواند مناسب‌ترین روش در برگردان آیه باشد. حال آنکه در این مورد نیز مترجمان محترم صرفاً به ترجمه آیه بسنده نموده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: هر خبری زمانی و مکانی دارد. (هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد).

۱۲.۴ (هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ) (رحمن/۶۰)

مفهوم آیه مذکور صراحت دارد به اینکه اعمال حسنه انسان و احسان به دیگران پاداشی جز نعمت و نیکی نخواهد داشت. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۴۸۲) در واقع این آیه شمولیت کامل در نیکی دارد و «اگرچه در روایات اسلامی یا تفسیر مفسران احسان در این آیه به معنی توحید، یا توحید و معرفت و یا اسلام تفسیر شده، اما پیداست که اینها هرکدام مصداق روشنی از این مفهوم گسترده است که هرگونه نیکی را در عقیده و گفتار و عمل شامل می‌شود.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۳، ص ۱۷۰-۱۷۱)

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «نیکی را نیکی آید» (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۴ / ص ۱۸۷۶)

دهلوی: نیست جزای نیکوکاری مگر انعام بسیار.

فولادوند: مگر پاداش احسان جز احسان است؟

فیض الاسلام: آیا جزاء و پاداش نیکی جز نیکی است؟

در ترجمه این عبارت نیز هر سه مترجم ترجمه‌هایی کاملاً معنایی و مطابق با آیه ارائه داده‌اند. با این تفاوت که دهلوی آیه را به مفهوم آن برگردانده است. چنانچه پیشتر نیز بیان شد، ذکر تعبیر تمثیلی زبان مقصد در کنار ترجمه آیه تصویری گویاتر و زنده‌تر از آیه در برابر دیدگان خوانندگان ترجمه به نمایش می‌گذارد.

ترجمه پیشنهادی: آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ (نیکی را نیکی آید).

۱۳.۴ (وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا) (اعراف/۳۱)

این عبارت قرآنی دعوتی است به اعتدال و عدم افراط و تفریط در کارها، که فطرت انسان نیز چنین اقتضایی دارد. به طوری که «افراط و تفریط همواره تهدیدی از برای جوامع انسانی بوده و موجب انحطاط، فساد، جنگ‌های ویرانگر و... بوده است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۸، ص ۸۲)

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «اندازه نگه دار که اندازه نکوست.» (دهخدا، ۱۳۶۳:

ج ۱، ص ۲۹۱)

دهلوی: و بخورید و بیاشامید و از حد مگذرید.

فولادوند: و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده‌روی مکنید.

فیض الاسلام: و بخورید و بیاشامید و (در خوردن و آشامیدن) زیاده روی نکنید. در ترجمه این عبارت نیز مترجمان محترم ترجمه‌هایی کاملاً معنایی و مطابق از آیه ارائه داده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید. (اندازه نگه دار که اندازه نکوست)

۱۴.۴ (ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَ أَنْ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ) (انفال/۵۱)

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید که مجازات دردناکی که هم اکنون (حکایت حال جهان آخرت) می‌چشید، به خاطر گناهان و اموری است که پیش از این، خود در دنیا مرتکب شده‌اید. لذا استحقاق این عذاب را دارید. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۹، ص ۱۰۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۷، ص ۲۰۴)

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «خود کرده را تدبیر نیست». (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۷۵۵)

دهلوی: این بسبب آن کردارست که پیش فرستاده است دست شما.

فولادوند: این [کیفر] دستاوردهای پیشین شماست.

فیض الاسلام: آن عذاب نمودن فرشتگان بسبب چیزی (کرداری) است که دستهای شما پیش آورده.

در ترجمه این عبارت نیز مترجمان گرامی تنها به ترجمه اصل آیه بسنده نموده‌اند، حال آنکه چنانچه در ترجمه پیشنهادی قابل ملاحظه است، ذکر ضرب المثل فارسی آیه پس از اصل ترجمه و به عنوان تکمله و افزوده مترجم، خواننده را در دریافت سریع‌تر، ملموس‌تر و ماندگارتر پیام آیه بسیار کمک خواهد کرد.

ترجمه پیشنهادی: این (عذاب) به سبب اعمالی است که پیش فرستاده‌اید. (خود کرده را تدبیر نیست).

۱۵.۴ (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ) (زلزله/۷-۸)

بر اساس آیات فوق، انسان نتیجه اعمال خوب یا بد خود را به هر میزان، حتی اگر به اندازه ذره‌ای باشد می‌بیند. اگر عمل صالح و خیری انجام دهد پاداش و جزای خیری می‌بیند و

۲۰ روش‌شناسی و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم در برگردان ضرب‌المثل‌های اخلاقی قرآن، ...

اگر عمل طالح و شری مرتکب شود، باز مجازات و سزای آن را خواهد دید. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۳۰، ص ۱۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ص ۷۹۹)

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «از مکافات عمل غافل مشو، گندم از گندم بروید جو ز جو». (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۵۸)

دهلوی: پس هر که کرده باشد هم سنگ یک‌ذره عمل نیک به بیند آن را* و هر که کرده باشد همسنگ یک‌ذره عمل بد به بیند آن را.

فولادوند: پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید* و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید.

فیض الاسلام: پس هر کس هموزن مورچه کوچک (یا باندازه آنچه از روزن آفتاب دیده میشود) کار نیکو کند آن را (در آن روز) ببیند* و هر کس باندازه مورچه کوچک (اندکی) کار بد بجا آورد آن را ببیند.

در ترجمه این عبارت نیز دهلوی و فولادوند ترجمه‌هایی کاملاً معنایی، مطابق و نزدیک به آیه ارائه داده‌اند. دهلوی بر اساس دستور زبان مبدأ و فولادوند بر اساس دستور زبان مقصد. فیض الاسلام نیز با دخل و تصرف در تعبیر قرآنی (هموزن مورچه کوچک و روزن آفتاب) ترجمه‌ای ارتباطی ارائه داده است. چنانچه پیشتر نیز بیان شد ذکر تعبیر تمثیلی زبان مقصد در کنار ترجمه آیه تصویری گویاتر و زنده‌تر از آیه در برابر دیدگان خوانندگان ترجمه به نمایش می‌گذارد.

ترجمه پیشنهادی: هر کس به اندازه ذره‌ای کار خوب انجام دهد (نتیجه) آن را می‌بیند* و هر کس به اندازه ذره‌ای کار بد انجام دهد (باز نتیجه) آن را خواهد دید. (از مکافات عمل غافل مشو، گندم از گندم بروید جو ز جو).

۱۶.۴ (وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا) (شوری/۴۰)

عبارت قرآنی فوق بیان می‌دارد که در مقابل ظلم و بدی به دیگران، نباید انتظار نیکی داشت. یا اگر کسی در مقابل ظلم و بدی دیگری مقابله به مثل نماید، عملش ظلم و ستم به شمار نمی‌رود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۸، ص ۶۴) لذا واژه «سَيِّئَةٌ» دوم از باب مشکله است، چرا که قصاص و مقابله به مثل «سَيِّئَةٌ» به شمار نمی‌رود. (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۳، ص ۴۷)

ضرب المثل معادل در زبان فارسی: «کلوخ انداز را پاداش سنگ است». (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۳، ص ۱۲۳۱)
دهلوی: و سزای بدی بدی است مانند آن.
فولادوند: و جزای بدی، مانند آن، بدی است.
فیض الاسلام: سزای بدی (که ستمگر کرده اگر خواستید او را کیفر کنید) بدی است مانند آن بدی.
در ترجمه این آیه شریفه نیز پیشنهاد می‌شود پس از ترجمه دقیق آیه، جهت سهولت و سرعت انتقال مفهوم و پیام، از ضرب المثل فارسی مذکور و یا امثال آن استفاده شود.
ترجمه پیشنهادی: سزای بدی، بدی‌ای مانند آن است. (کلوخ انداز را پاداش سنگ است)

۵. نتیجه‌گیری

در ترجمه ضرب المثل‌های قرآن، همانطور ملاحظه شد مترجمان فارسی همچون: دهلوی، فولادوند و فیض الاسلام، با وجود نزدیک بودن معنای برخی آیات به معنای اصطلاحی ضرب المثل‌های فارسی، با کمال احتیاط عمل نموده و از ضرب المثل‌های روان و سریع الانتقال فارسی بهره نبرده‌اند. در ترجمه‌های تحت اللفظی قرآن (همچون ترجمه دهلوی) به دلیل روش ترجمه مترجم، شاید انتظار آن نرود که ضرب المثل معادل ذکر شود. اما در ترجمه‌های مفهومی و به ویژه تفسیری که مترجم به زبان مقصد و خواننده ترجمه نزدیک‌تر می‌شود، انتظار ذکر ضرب المثل، انتظار نابیجایی نیست. ضمن آنکه فراتر از روش ترجمه مترجم، به جهت انتقال هرچه بهتر مقصود آیه، ذکر ضرب المثل پس از ترجمه آیه مطلوب است. لذا به نظر می‌رسد در ترجمه، علاوه بر ترجمه دقیق و مطابق آیه (روش معنایی) اگر ضرب المثل نیز به کار گرفته شود، مقصود آیه برای خواننده قابل فهم‌تر و ماندگارتر و در نتیجه دستیابی به پیام‌ها و آموزه‌های دینی و اهداف و اغراض آن بسیار آسان‌تر خواهد بود. در حقیقت نظر به اینکه ضرب المثل مطالب عقلی و غیرحسی را به محسوسات مأنوس تشبیه می‌کند و نیز در کمترین لفظ بیشترین معنا و در کوتاه‌ترین جمله پربارترین و ژرف‌ترین مفهوم را می‌گنجاند، درجه اطمینان انسان را در مسائل تا حدی بالا می‌برد. بنابراین در کنار ترجمه معنایی، ذکر ضرب المثل‌ها (ترجمه ارتباطی) نیز می‌تواند بسیار مفید واقع گردد. چرا که هدف اصلی مترجم در روش ترکیبی (معنایی - ارتباطی)،

ترسیم و انتقال مقصود اصلی خداوند به عنوان نزدیک‌ترین معادل است و چه بسا به کارگیری این روش به جهت سرعت و سهولت برقراری ارتباط با خواننده و نقش آن در فرهنگ و زبان عامه، بتواند اهداف و پیام آیات را رساتر بیان نماید و تأثیری مطلوب و ماندگار بر مخاطب بگذارد. فی الجمله مهجور و مغفول ماندن ضرب‌المثل‌ها در شرح و تبیین آیات و عدم بهره‌گیری از ظرفیت آن در انتقال داده‌های آموزشی قرآن، در ترجمه‌های قرآن کاملاً مشهود است.

کتاب‌نامه

- علاوه بر قرآن کریم؛
آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الأولى.
ابن عبد ربه، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، العقد الفرید، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ سوم.
ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دار الفکر، چاپ اول.
بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۶ش)، قرآن ناطق، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳ش)، تفسیر اثناعشری، تهران: انتشارات میقات، چاپ اول.
حکمت، علی اصغر (۱۳۸۷ش)، امثال قرآن، آبادان: انتشارات پرستش، چاپ سوم.
دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳ش)، امثال و حکم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
دهلوی، شاه ولی الله (۱۴۱۷ق)، ترجمه قرآن، مدینه: مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشریف، چاپ اول.
زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم.
سعدی، مصلح الدین (۱۳۹۴ش)، کلیات سعدی، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هفدهم.
سلماسی زاده، محمد جواد (۱۳۶۹ش)، تاریخ سیر ترجمه قرآن در جهان، تهران: امیر کبیر، چاپ اول.
سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، الدر المثلث فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش)، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *امالی*، قم: مؤسسه بعثت، چاپ اول.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
- فرح زاد، فرزانه (۱۳۸۷ش)، *ترجمه پیشرفته ۱*، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ اول.
- فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، *ترجمه قرآن*، تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ اول.
- فیض الاسلام، سید علی نقی (۱۳۷۸ش)، *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*، تهران، انتشارات فقیه، چاپ اول.
- لطفی پورساعدی، کاظم (۱۳۸۷ش)، *درآمدی به اصول و روش ترجمه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هشتم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول.
- نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ق)، *تفسیر آسان*، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ اول.
- نیومارک، پیتر (۱۳۸۶ش)، *دوره فنون ترجمه*، مترجمان: منصور فهیم و سعید سبزیان مرادآبادی، تهران: رهنما، چاپ اول.